

استاد عبدالعلی دست‌غیب، اندیشمندی ادیب و چندساحتی است. حوزه مطالعات او «نقد ادبی»، «تحقیق و پژوهش ادبی تاریخی» و ترجمه آثار فیلسوفان و شاعران تأثیرگذار و مطرح جهان است. در زمینه مسایل ذوقی نیز دست‌غیب دو دفتر شعر: «گل‌های تاریکی» و «آینه‌های روبرو» را انتشار داده و تعدادی داستان کوتاه نیز به چاپ رسانده است. دست‌غیب نویسنده‌ای کوشیده، نو جو، دقیق، متعهد و پرکار است. در کارنامه فعالیت فرهنگی او، جدای از شمار زیادی مقالات ادبی انتقادی، ۴۵ اثر چاپ شده و شش اثر در دست چاپ نیز ثبت شده است. متأسفانه با همه کوششی که صرف جست و جو برای یافتن تمامی آثار استاد انجام دادیم، در عمل نتوانستیم به تمامی آثار وی دسترسی پیدا کنیم. بنابراین آنچه پیش رو دارید، تنها اندکی بیش از نیمی از آثار استاد است. امیدواریم در آینده به طریقی، بقیه آثار این اندیشمند پژوهنده را معرفی کنیم. برای سهولت دست‌یابی به آثار استاد، کتابهای استاد را در چهار بخش به ترتیب زیر آورده‌ایم:

الف: نقد ادبی

ب: تحقیق ادبی و تاریخی

ج: ترجمه

د: شعر

آثار نایافته و آثار در دست چاپ استاد

دست‌غیب را نیز به انتهای کتابشناسی

افزوده‌ایم تا دوستان این آثار، دست‌کم از

عنوان، محل نشر، ناشر و تاریخ نشر این آثار

آگاه شوند.

کتاب‌شناسی استاد عبدالعلی دست‌غیب

شهلا پروین زاد

* سایه روشن شعر نو پارسی

نوشته عبدالعلی دست‌غیب. چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ، ۱۳۴۸، ۲۵۱ ص، رقمی.

سایه روشن شعر نو پارسی، شامل سه بخش است. ۱- درباره شعر، ۲- نیما و شاعران بعد از او، ۳- موج انحراف. استاد دست‌غیب درباره هر یک از سه بخش اثر، توضیحاتی داده است:

«در بخش نخست، کوشیده‌ام با در نظر داشتن ضابطه‌های شعری و ساختمان زبان پارسی و با بهره گرفتن از نظر دانشوران و هنرشناسان غرب، برای شعر، ملاک‌هایی که متناسب با زندگی، زبان و تحولات اجتماعی ما باشد بیابم...» در بخش دوم، سخن از «نیما»ست و شاعران راستین پس از او، دست‌غیب معتقد است که شعر نو پارسی هنوز آن سان که شایسته زبان روشنگر فارسی است، عمومیت نیافته، در این مورد هم هنرمند، هم هنرشناس، هر دو کوشش لازم را به خرج نداده‌اند. هنرشناس، آن‌گونه که وظیفه اوست، در نقد و رواج آثار ارزنده نکوشیده و هنرمند بیش از چند گام به سوی مردم برداشته است. اما همان اندازه که شاعری به مردم و رویدادهای جامعه خویش توجه نشان داده، مردم دوچندان از شعر او استقبال کرده‌اند. «موج انحراف» بخش سوم کتاب است. در اینجا آثار

کسانی مطالعه شده است که از شعر و میراث کهن جامعه خویش بریده‌اند. در این مورد، عده‌ای عقیده دارند که بحث درباره آثار ناسالم و روزنامه‌ای دست‌اندرکاران شتاب زده شعر، کاری لازم و ضروری نیست و این نوشته‌ها دیر یا زود از بین خواهد رفت. نگارنده را در این باره عقیده دیگری است. درست است که هنرمند راستین به کمک کوشش خویش سرانجام راه درست را خواهد یافت و پس از رسیدن به بن‌بست‌های «انحراف» از شکست خویش، درس‌ها خواهد آموخت، اما می‌توان یقین داشت که در دوران اغتشاش و هرج و مرج، هنرمندانی که زیرتأثیر جریان روز و بیرون از راه و رسم روزانه «مد» به بیراهه افتاده و ره به کعبه مقصود نبرده‌اند نیز کم نبوده‌اند. انتقاد درست می‌تواند برای این هنرمندان، چراغ راه باشد.

* تحلیلی از شعر نو فارسی

نوشته عبدالعلی دست‌غیب. چاپ اول، تهران.

انتشار صائب، ۱۳۴۵، ۱۳۰ ص، رقمی.

جانمایه این دفتر، مقالاتی بوده که استاد دست‌غیب از سال ۱۳۳۷ در برخی از نشریات کشور به چاپ رسانده و سپس بحث مفصلی را در همان سال زیر عنوان: «بررسی اجمالی شعر نوپارسی» نوشت که ضمن استقبال فراوان، سبب

شد که نویسنده، مقالات دیگری نیز بر آن بیافزاید و پیراسته و تنظیم شده آن را به صورت کتاب حاضر ازایه کند. در این اثر دست غیب، تعاریف متعددی از شعر و تفاوت آن با نظم از قول قدما و متأخران آورده و به انواع شعر اشاره کرده است. در بخش های دیگر کتاب، نویسنده ضمن بررسی اجمالی شعر امروز و تأثیر شعر مشروطه در شعر امروز، خصوصیات هر دوره را برشمرده، به مباحثی در باب وزن پرداخته، ویژگی های شعر امروز را درباره مسایلی چون: توجه به جنبه های عاطفی، ازایه زبانی تازه از نظر بافت و ارتباط کلمات، عشق، عصیان و سرگشتگی، اندیشه های فلسفی، انتقاد اجتماعی بررسی و با نمونه هایی از ادب کهن فارسی مقایسه کرده و سپس به جایگاه شعر فولکلوریک در زمان ما پرداخته است. «طرح کلی نقد» و ضمیمه پایانی کتاب: «شعر نو و میراث کهن»، پایان بخش این اثر تحلیلی است.

* نقد آثار کسروی

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، انتشارات بازند، ۱۳۵۷، ۳۰۸ ص، رقمی.

در فهرست این نقد، پس از پیشگفتار، با این مباحث آشنا می شویم:

زندگانی و آثار کسروی / شرق و غرب / اروپاییگری / فلسفه مادی / در پیرامون دین و روان / صوفیگری / آیین سررشته داری / تاریخ و تاریخنگار / در پیرامون ادبیات / زبان پاک / و «نظر کلی».

دست غیب این اثر را پس از مطالعه مجموعه آثار کسروی در مجموعه ای شخصی در «نورآباد ممسنی» زمانی که به عنوان کارمند روزمزد اداره بهداشت، در آن سامان تنها بوده، نوشته و پیداست که از نقدهایی که دیگران همان زمان درباره کسروی نوشته بودند، به دلیل جوانی و دوری از مرکز، بی اطلاع بوده است. چنین است که نه در پیشگفتار ۸ صفحه ای او و نه در بخش ۱۴ صفحه ای زندگی و آثار کسروی، هیچ گاه به همکاری و همقدمی کسروی با رضاخان، حتی در اوج خفقان پلیسی پهلوی، اشاره ای نمی کند و این می بحث مهم را روشن نمی سازد، چگونه در زمانی که هم قلم ها شکسته و زبان ها بریده بود، کسروی ماهنامه پیمان را به مدت ۷ سال، از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۱۹ آزادانه بی دغدغه و در سایه حمایت پلیس پهلوی، بی هیچ مانعی، چاپ و منتشر کرده است.

البته گفتنی است که دست غیب در این اثر، در برابر افراط کاری های کسروی و ستمی که او در حق حافظ و نیچه کرده، خاموش نیست و در برابر اتهامات کسروی، به دفاع از حافظ و نیچه می پردازد (ص ۱۸۹) و آنجا که عقاید کسروی را در باب شاعران و شعر و شاعری آورده (صفحات

محکوم کند»، اکنون این پرسش پیش می آید که این راهنما کیست؟ پاسخ کسروی: این راهنما منم.

* نقد آثار محمود دولت آبادی

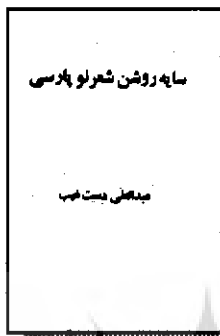
نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، نشر ایما، ۱۳۷۸، ۳۴۰ ص، رقمی.

عناوین فهرست شده در این نقد، چنین اند: زندگی و آثار / داستان های نخستین / جای خالی سلوچ / کلیدر، روزگار سپری شده مردم سالخورده / درونمایه / ساختار و زبان و «کتاب شناسی»

دست غیب در این اثر، به روال کار خود، نخست از زندگی نویسنده می آغازد؛ از محمود دولت آبادی که در سال ۱۳۱۹ در دولت آباد سبزوار به دنیا آمده، تحصیلات ابتدایی اش تا سال ۱۳۳۲ طول کشیده و از کودکی به قصه هایی که شمایل گردان ها و مداحان نقل می کنند، علاقه مند می شود و با نمایش سنتی و تعزیه آشنا می گردد و سرگرم قصه های بومی و مطالعه صور هنری و فرهنگ عامیانه است. این که در سال ۱۳۳۳ در کارخانه پنبه پاک کنی به کار می پردازد و مبتلا به بیماری استخوان می شود و برای درمان درد به مشهد می رود و در سفری دیگر به این شهر، به قصد ورود به آموزشگاه گروهبانی، با سینما و تئاتر آشنا می شود. سال ۱۳۳۹ به تهران می آید و در تئاتر پارس لاله زار کار می گیرد، در کلاس آنایتا شرکت می کند و در فاصله سال های ۴۰ تا ۵۳ در کلاس تئاتر آنایتا حضور دارد، در نمایشنامه های متعددی بازی می کند.

سال ۴۹ ازدواج می کند و در سال ۵۳ در حالی که در صحنه نمایش نامه (در اعماق اثر گورگی) مشغول بازی بوده، توسط عوامل ساواک دستگیر و زندانی می شود و در سال ۵۶ آزاد می گردد.

دست غیب در این بخش از زندگی دولت آبادی به مطلب دیگری نیز اشاره می کند: در سال ۱۳۵۷ با فروریزی نظام سلطنت، فعالیت دولت آبادی و مبارزان دیگر، شدت می گیرد و مبارزان چپ و راست در برابر هم صف آرایی می کنند و به مخالفت با یکدیگر می پردازند. در این هنگامه، متن نامه دولت آبادی به خط خود او - که خطاب به فرح همسر شاه نوشته شده، چاپ و تکثیر می شود. دولت آبادی در این نامه، ضمن تحسین انقلاب ارضی شاه و تمجید از کارهای هنردوستانه (شهبانو)، استدعای عفو دارد و می گوید: داستان او در جهت انقلاب سفید و حمایت از آن و نبرد با ستم خوانین بوده است. دست غیب در ادامه می نویسد: البته چنین مسایلی بیشتر در سال های ملتهب ۱۳۵۷ و چند سالی پس از آن، طرح می شد و سپس حدت و شدت آن کاستی گرفت. دست غیب اضافه می کند: به شرط صحت مندرجات آن



۲۴۳ تا ۲۷۳)، به نقد سخنان کسروی پرداخته، می نویسد: اشتباه دیگر کسروی این است که می خواهد همه قضایای جهان و زندگانی را به منطق و استدلال برگرداند و این نشدنی است، زیرا تخیل که جزء ذاتی شعرو یکی از نیروهای انسان است و بدون خیال امید به آینده و پیشرفت ناممکن به نظر می رسد. دست غیب، سخنان ناروای کسروی را درباره «نیچه»، نتیجه دانش فلسفی اندک کسروی دانسته و معتقد است که او در زمینه ای وارد شده که «جدال»، «اما»، «چرا»، «شاید» و... وجود دارد و در ادامه می نویسد: کسروی ناگاهانه ماتریالیسم نیچه و مارکس را کنار هم می گذارد و نتیجه گیری می کند. به باور دست غیب، چکیده سخن کسروی این است که: «مادبگری و خداشناسی از سوئی و باورهای بنیاد کیشی از سوئی، «دین» را در خطر افکنده اند. پس راهنمایی لازم است که راستی ها را روشن و بدآموزی های کهنه و نو را آشکار و

نامه، این چیزی نیست که ارزش هنری کار نویسنده را فروکاهد. کم نبوده اند نویسندگان مبارزی که تاب تحمل صدمات زندان را نیاورده اند و از دولت مردان تقاضای عفو و بخشودگی کرده اند تا بتوانند به ادامه کار هنری خود پردازند. در این نقد بلند، استاد دست غیب، ابتدا داستان های نخستین و سپس داستان های «جای خالی سلوچ»، «رمان بلند کلیدر» و «رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده» را مورد نقد و بررسی قرار داده و در فرجام، درونمایه، ساختار و زبان آثار

دولت آبادی را بررسی کرده است
*** نقد آثار احمد محمود**

نوشته عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، ۲۸۶، رقمی.

استاد دست غیب در این اثر نیز به شیوه مألوف خویش، در پیشگفتار، بحث را از زندگی نویسنده آغاز کرده و از آنجا که سابقه دوستی دیربایی با احمد محمود داشته، کار را از پیشینه آشنایی خویش با نویسنده در دوران جوانی شروع کرده و در ادامه به سال های مبارزه و سپس کودتا و بعد تبعید احمد محمود به بندرلنگه و ماجراهای پس از آن، اشاره کرده است تا در این مسیر، خواننده را با باورها و آرمان ها و زندگی پرافت و خیز احمد محمود و لاجرم فضای داستان هایش در جنوب آشنا کند. سطرهایی از این مقدمه، حال و هوای اثر را به دست می دهد: پیشینه آشنایی نویسنده این سطور با احمد محمود (اعطای و آثارش به سال ۱۳۳۴ برمی گردد. در این سال ها، من در امواج گردبادی که کودتای مرداد ۱۳۳۲ برانگیخته بود، در کسوت مأمور روزمزد اداره بهداشت به بندرلنگه رسیدم. در این شهر بندری دورافتاده بود که من احمد محمود را یافتم. درگیرودار سال های پس از کودتا و شکست جنبش ملی، ما جوان های آن روز، که به آینده پیروزمندانه جنبش ضداستعماری آن زمان دل بسته بودیم، به ناگاه خود را با رویدادی نامنتظره رویاروی دیدیم. ناگهان، یک شبه همه چیز فرو ریخت و «مشت های آسمان کوب» مبارزان سست شد و فرود آمد. در پی این شکست، همه مبارزان و علاقه مندان به استقلال و آزادی ایران شکسته شدند و گروهی از ایشان در دود و غبار محو گشتند، یا در تبعید و زندان از پادراتادند. تأثیر این شکست در هنر و ادب نیز جلوه پارزی یافت.

به هر حال، شد آنچه شد و فرصت گرانبهایی از دست رفت و سنگینی بار «خطای سیاست پیشگان بر دوش کسانی افتاد که «ستاره کاروان کش» را «دلیل راه» دانستند. دست غیب در این اثر، پس از مقدمه ۱۷ صفحه ای خود که فصلی

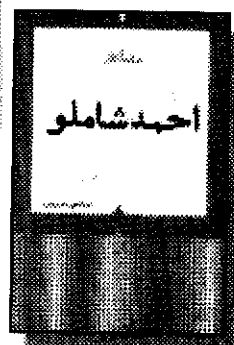
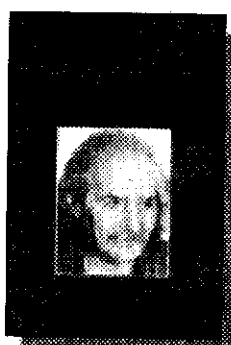
از تاریخ اجتماعی مادر جریان نهضت ملی نفت و پس از آن نیز هست، به نقد و بررسی داستان های احمد محمود می پردازد.

داستان های نخستین، زائری در باران، غریبه ها و پسرک بومی، همسایه ها، داستان یک شهر، زمین سوخته، قصه های آشنا، مدار صفر درجه، دو فیلمنامه و «آدم زنده» داستان های کوتاه و بلندی است که در این کتاب نقد و بررسی شده اند. در پیوست ۳۴ صفحه ای پایان کتاب، ملاحظات دقیق تر و فنی دست غیب درباره آثار احمد محمود آمده است.

*** نگاهی به مهدی اخوان ثالث**

نوشته عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، انتشارات مروارید، ۲۷۴ ص، رقمی.

مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۶-۱۳۶۹)، شاعر و نویسنده معاصر، زاده توس (مشهد) بود. پدرش، عطار طبیب و مادرش، خانه دار بود. پدرش علاقه مند به اشعار فردوسی و سعدی و حافظ بود، اما امید در آغاز، پیش از شاعری به موسیقی دل بستگی داشت و پنهان از پدر به مشق موسیقی می پردازد. پدر با آگاهی از این امر، با لطایفی، او را از موسیقی بازمی دارد. شوق موسیقی در مهدی اخوان، به تدریج جایش را به اشتیاق به شعر و سخن می دهد، مهدی در این راه تشویق می شود و جایزه می گیرد. او از آموزش ابتدایی، وارد هنرستان مشهد می شود و از کار سوهان کشی واره کشی و آهنگری، سردرمی آورد. بعد به تهران می آید، معلم می شود و به ورامین می رود و با اوج گیری مبارزات ملی نفت، وارد نبردهای اجتماعی می شود و در نتیجه به زندان می افتد و به کاشان تبعید می شود. اشعار این دوره



او که جنبه رئالیسم حزبی دارد، بیشتر در روزنامه های چپ به چاپ رسیده است. شاعر پس از کودتای ۱۳۳۲ بار دیگر به زندان می افتد. در زندان، بعضی از زندانیان توبه نامه کذایی را می نویسند و از زندان آزاد می شوند، ولی اخوان مقاومت می کند و در زندان قصر و قزل قلعه می ماند و پس از رهایی از زندان، مدتی به کار روزنامه نگاری می پردازد و همزمان در رادیو و برخی مؤسسات دیگر به کار مشغول می شود. اخوان در سال ۱۳۴۵ در اثر منازعه ای خصوصی به زندان قصر می افتد و ۹ ماه در زندان می ماند.

بعضی از دوستان اخوان و خود او خواسته اند به این زندانی شدن، رنگی سیاسی بدهند، اما چنین چیزی درست نبوده است. اخوان از شاعرانی است که بسیاری از دشواری های شخصی و خانوادگی شان را در آثار، یادداشت های خود ثبت کرده اند. از توضیح ها و حاشیه نویسی های اشعارش برمی آید که مردی صمیمی و بی شبله پیله بوده است. البته گاهی در این یادداشت ها، به بیان باورهای خود (درویشی، قلندری، باستانگرایی) نیز می پردازد و از شعر شاملو، نادرپور و دیگران انتقاد می کند، که به هر حال از اعتباری یکسان برخوردار نیست. اخوان مانند بیشتر هنرمندان دلسوخته پیوسته از وضع نابسامان مادی رنج می برد، شاید هم خودش این طور زندگی را دوست داشت. او مدت کوتاهی پیش از درگذشتش (چهارم شهریور ۶۹)، برای شعرخوانی به آلمان سفر کرد و سپس به انگلستان رفت و آنگاه به ایران بازگشت و این تنها سفر شاعر به خارج از ایران بود. اینها خلاصه ای از مطالبی است که دست غیب در مقدمه ۸ صفحه ای خود با عنوان «زندگی و آثار» درباره مهدی اخوان ثالث آورده است و به دنبال آن، در عناوین دیگری چون: نظر اخوان درباره شعر و شاعری، دگرگونی اجتماعی و شعر اخوان، اندیشه های اخوان و «تفسیر پنج شعر» به بررسی زندگی، شعر و زمانه شاعر پرداخته است.

*** نقد آثار صادق هدایت**

نوشته عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، تهران، مرکز نشر سپهر، ۲۱۲ ص، رقمی.

استاد دست غیب در این اثر، نخست به صورتی موجز و مختصر به نقل برخی از عناوین نقدهایی که بعضی از منتقدین آثار هدایت درباره او نوشته اند می پردازد و سپس با تأکید بر برخی از این نظریات، منظور خود را مشخص می کند: «نگارنده این کتاب می خواهد با توجه به آن داوری ها و متن نوشته های هدایت، زمینه درست داوری و شناخت آثار هدایت را فراهم آورد... در این جا کوشش می شود، آثار هدایت، به ملاک

دانش «نقد ادبی» سنجیده شود و از انکار، یا طرفداری بی جا پرهیز گردد.»، دست غیب در ادامه، به زندگی هدایت از تولد تا مرگ (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ش) پرداخته، آثار او را از جنبه های مختلف و در مقایسه با آثار دیگر نویسندگان مورد نقد و بررسی قرار می دهد؛ گاه همدلانه با هدایت به نقد برخی باورهای رایج می نشیند و گاه ضمن همدلی با او، به طور ضمنی به نقد برخی گفته هایش می پردازد. در مثل، داوری های دست غیب نسبت به هدایت و مینوی درباره برتری نژادی ایرانیان بر اعراب، به ویژه در داستان مازیار که مجتبی مینوی، مقدمه ای نژاد گرایانه بر آن نوشته، معترض است و برخی داوری های رامنتیک گونه هدایت درباره اسلام را نمی پذیرد و می نویسد: «درست است که تازیان- به ویژه در عهد امویان و عباسیان- در ایران بیدادگری ها کردند و کوشیدند بنیاد فرهنگ ایران براندازند، ولی واقعیت تاریخی نشان می دهد که آمدن اسلام به ایران، در زایش دوباره فرهنگ ما بی تأثیر نبوده و این کار ممکن نمی شد، مگر این که مردم از زیر بار بیداد خودی و کیشداری کیشداران چیرگی طلب و ریاکار و زرتشتی نام، رهایی یابند، اسلام چنین موقعیتی برای ما به وجود آورد و ستاره فرهنگ ایران بازتابیدن گرفت.»

نقد آثار بزرگ علوی

نوشته عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، تهران، نشر ایما، ۱۳۷۸، ۲۴۸ ص، رقمی.

این دفتر نیز چون نقدهای پیشین دست غیب با زندگی نامه نویسنده آغاز می شود. آقابزرگ علوی در ۱۲۸۳ شمسی در خانواده ای بازرگان پیشه و مشروطه خواه به دنیا آمد. پدرش حاج سیدابوالحسن، جوانی اهل ذوق و کمال و آزادی بود. در هنگامه جنگ جهانی اول، او در گروه مهاجرین بود و زمانی که بغداد و کرمانشاه به دست انگلیسی ها افتاد، خود را به برلین رسانید و سالیانی دراز در آنجا زندگی کرد و همانجا در گذشت. از سه پسر او، آقا مرتضی، آقا مصطفی و آقابزرگ، کوچکترین فرزند او، در کار تحصیل کوشا بود.

آقابزرگ پس از پایان آموزش مقدماتی و عالی در آلمان به ایران بازگشت و به کار نویسندگی و تدریس پرداخت. در سال ۱۳۰۷ با هدایت آشنا شد و سپس با مجتبی مینوی، فرزند، نوشین و مین باشیان. آنها در سال ۱۳۰۹ گروه مشهور «ربعه» را در تهران تشکیل دادند. گروه ربعه نماد و نماینده ادبیات جدید ایران در برابر گروه «سبعه» (حکمت، تقی زاده، اقبال، قزوینی...)، جبهه گیری داشت و هم در این سال ها بود که بزرگ علوی به دکترای روانی روشنفکر مارکسیست پیوست

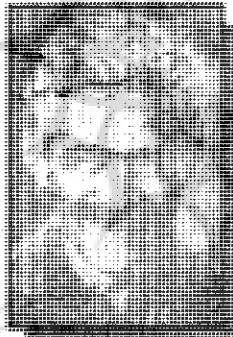
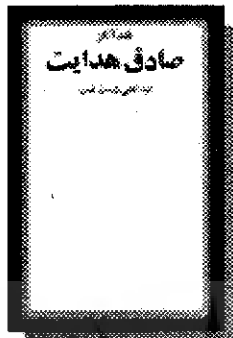
سران حزب توقیف می شود، اما او بزودی با وساطت هدایت آزاد می شود. در سال ۱۳۲۹ او را دوباره در مطبوعات حزبی و پیام نو می بینیم. در فروردین سال ۱۳۳۲ علوی برای درمان بیماری به اروپا رفت و چون کودتای ۲۸ مرداد در گرفت، در آلمان شرقی ماندگار شد و به تدریس در دانشگاه و نگارش داستان های خود پرداخت. داستان های این دوره علوی، بیشتر درباره زندانیان سیاسی، مهاجرین، دلنگی های در بدری و آرزومندی شوق بازگشت به ایران است. بزرگ علوی در سال ۵۸ پس از پیروزی انقلاب موقتاً به ایران سفر کرد و در سال ۱۳۷۵ درگذشت.

زندگی و آثار / چمدان / پنجاه و سه نفر / ورق پاره های زندان / نامه ها / چشم هایش / میرزا / و «موریانه» آثاری از آقابزرگ علوی است که دست غیب در این کتاب به آنها پرداخته، پژوهش ها، ترجمه ها و نیز شیوه نگارش او را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

نقد آثار محمدعلی جمالزاده

نوشته عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، تهران، انتشارات چاپار، ۱۳۵۶، ۱۹۷ ص، رقمی.

کتاب چنین آغاز می شود: جای جمالزاده در نثر امروز پارسی، جایی است بین هدایت و حجازی، که از این برتر و ز آن فروتر است. از این گذشته، جمالزاده نویسنده ای است با پایگاه اجتماعی نامشخص، حجازی به ویژه پس از نگارش داستان «زیبا» به قدرت روز پیوست و به وصف گل و گلخانه اشرافیت آن روز پرداخت، ولی جمالزاده در فرنگستان ماندنی شد و کنار دریاچه «لمان» ژنو (سوئیس) به بازگویی یادهای گذشته خود مشغول شد و در همان زمان که با تقی زاده و قزوینی پالوده می خورد، با هدایت نیز نامه نگاری می کرد و به گمان خود داستان های واقع گرایانه می نوشت... اما با این همه، می توان و باید نوشته های او را نقد کرد. زیرا که او با نوشتن «یکی بود، یکی نبود» در گسترش زبان داستانی نوپارسی اثر داشته است... آنچه ناقدان جمالزاده گفته اند، در نامه «جلال آل احمد» به این نویسنده بهتر از هر جا منعکس شده و این نامه ای است که سرشار از خشم و خروش، گریزنده از وطنی را به پای میز محاکمه می کشد و خطاهای او را آفتابی می کند. این نامه نیست، اتهام نامه ای است و گویی با قلمی که در اشک و خون فرو برده اند، نگاشته آمده است. دست غیب پس از مقدمه ای که خلاصه آن آمد، به زندگی نویسنده می پردازد: «محمدعلی جمالزاده در سال ۱۳۰۹ هجری قمری در اصفهان به دنیا آمد و در ۱۳۲۶ به بیروت رفت و در یک دبستان غیر مذهبی نام نویسی کرد و دوره متوسطه را نزد کشیش های لازاریست در جبل لبنان (مدرسه آنطورا) به پایان



پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

و با نویسندگان مجله دنیا به همکاری پرداخت. با دستگیری ارانی و گروه همکارانش، بزرگ علوی نیز در گروه موسوم به پنجاه و سه نفر دستگیر و زندانی شد (۱۳۱۶). بزرگ علوی بخشی از مبارزه ها و دفاع دکترارانی را در «پنجاه و سه نفر» و «چشم هایش» منعکس کرده است. با سقوط حکومت خودکامه در شهریور ۱۳۲۰، علوی و دوستانش از زندان آزاد شدند و او این بار به همکاری با نشریات حزب توده مشغول می شود و سرانجام به سردبیری مجله «پیام نوین» ناشر افکار انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی می رسد. در سال ۱۳۲۷ با سوء قصد به شاه، حزب توده غیرقانونی می شود و بزرگ علوی همراه دیگر

برد و در ۱۳۲۸ از طریق مصر عازم پاریس شد. در پاریس حقوق خواند و در گرماگرم جنگ بین‌المللی اول، در کنار آزادیخواهان ایران قرار گرفت (۱۳۳۳ به بعد) و پس از شانزده ماه مبارزه در کرمانشاه و بغداد، به برلین بازگشت و در انتشار روزنامه کاوه با تقی زاده همکاری کرد. مجموعه «یکی بود، یکی نبود» در ۱۳۴۰ هـ. ق در برلین چاپ شده است. جمالزاده آثار متعددی نوشته که مهمترین آنها را، دست‌غیب در پایان نقد خود آورده است؛ آثاری چون: یکی بود یکی نبود / عموحسنعلی / دارالمجانین / صحرای محشر / راه آب نامه / سروه یک کرباس / تلخ و شیرین / کهنه و نو / شورآباد و ...

* نقد آثار جلال آل احمد

نوشته عبدالعلی دست‌غیب. چاپ اول، تهران، نشر زرف، ۱۳۷۱، ۲۷۱ ص، رقعی.

پیشگفتار کتاب، نمونه‌ای درخشان از نثر هنرمندانه، تأثیرگذار و پرجان و جوهر دست‌غیب است که در کمتر اثری از او سراغ داریم. وی می‌نویسد:

«نقد آثار آل احمد کار آسانی نیست، نخست به دلیل گرمی بودن او، که مردانه بود و جانبدار حقیقت. دیگر به دلیل جهش‌های اندیشه‌ها و شگرد نوشته‌هایش، که سیلی است خروشان و بی‌قرار، می‌گرد و تندرآسایش می‌رود و بی‌امان، کوبنده است، به دور از بزک‌دوزک‌های روشنفکر نمایان قلم به دست آسایش طلب، که یا به برج عاج خودنگری پناه می‌برند، یا به قصر بلورین آسودگی‌ها. «روشنفکرانی» که به گفته خود، می‌خواهند زمینی باشند تا سرزمینی، یعنی که اهل همه جا و هیچ جا، یا پناه برده‌اند به «ناکجاآباد» گروهی پنداربا ف، یا زیر چتر پشتیبانی قدرت‌های استعماری این و آن سوی اقیانوس‌ها. کسانی که بدآموزی صوفیانه را با جامه‌های نوآیین به بازار آورده‌اند تا مردم را بفریبند.» دست‌غیب در فرازی دیگر از نوشته خود درباره جلال می‌نویسد:

«... از سر عتاب سخن می‌گفت، عتابش اما از کینه نبود، از سر مهربانی بود، برافروخته، هنرمندان حاشیه‌نشین را شلاق می‌زد، ولی می‌شد پشت آن شلاق کاری، مهربانیش را دید. این بود که شتاب‌زدگان بی‌مایه، دیگر با او رویاروی نمی‌شدند، و جست‌وجوگران دردمند، پای سخنش می‌نشستند، زیرا که می‌دانستند «جلال»، تیغ از بی‌حق می‌زند، و بنده تن و غرور نیست.» و در جایی دیگر: «نبوغ آل احمد توانست خود را در این جا و آنجا، گاه در تمثیل و رمز و گاه در سفرنامه نویسی و گاه در صراحتی شگرف، و در پرده‌های گوناگون هنری، پراکنده ولی با جلوه‌ای دل‌انگیز و بیدارکننده نشان دهد، و در گفتار و

کردار، راهی به سوی آینده، به سوی پایداری و ستایش فضیلت‌ها و نکوهش بدی‌ها بیابد و این است که او را راجعند می‌کند و آثارش رانگی ویژه می‌زند. رنگ هنر اصیل و ماندگار.»

دست‌غیب در این اثر، پس از پیشگفتار، زندگی و آثار، داستان‌ها، مقالات کوتاه و بلند، تک‌نگاری‌ها و ترجمه‌های آل احمد را به نقد و بررسی می‌نشیند و در بخش پایانی اثر، به جهان‌نگری و سبک نگارش جلال پرداخته است.

* نقد آثار شاملو

نوشته عبدالعلی دست‌غیب. چاپ اول، تهران، انتشارات چاپار، ۱۳۵۲، ۲۳۹ ص، رقعی.

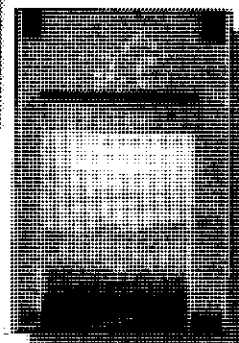
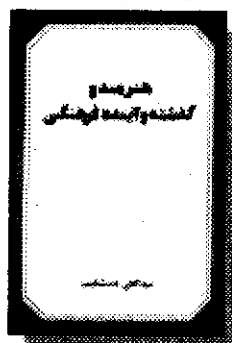
دست‌غیب معتقد است که شاملو یکی از راهگشایان ممتاز شعر نو پارسی است که پس از نیما، بیشترین تأثیر را بر شعر و شاعران معاصر داشته است. او در آغاز، کار خود را با مجموعه‌ای از نثر و نظم به نام «آهنگ‌های فراموش شده» (۱۳۲۶)، شروع کرد که سیاه‌مشقی بیش نبود، پس از آن، با «نیما» و جوهر شعر جدید بیشتر آشنا شد و ثمره این آشنایی، شعرهایی بود که به صورت مجموعه‌های «۲۳...» (۱۳۳۰) و «آهن‌ها و احساس» (۱۳۳۲) منتشر کرد. شاملو که در بیشتر شعرهای این دوره خود، زیر نفوذ زبان و بیان «نیما» بود، کم‌کم راه خود را پیدا کرد و از این تأثیرپذیری آزاد شد و استعداد شاعرانه خویش را با سرودن مجموعه‌های باغ‌آینه (۱۳۳۹)، آیدادر آینه (۱۳۴۳) و ... به دست آورد و در شمار نیرومندترین گویندگان شعر امروز پارسی درآمد. زندگینامه شاملو چنین خلاصه می‌شود: «احمد شاملو در سال ۱۳۰۴ از پدری سپاهی مرد و مادری که در غیاب پدر، سرپرستی خانواده را به عهده

داشت، در تهران به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی را در جنوب شرقی ایران گذراند و با دشت‌های تفته و آفتاب سوزان و مردم کوشای آنجا آشنا شد. شاملو در نوجوانی دلبسته موسیقی می‌شود، اما امکانی برای آموزش موسیقی نمی‌یابد. ناگزیر به کتاب و به شعر پناه می‌برد و از آن پس، بیشتر به نوشتن و خواندن روی آورد و به تدریج از مدرسه بیزار می‌شود. شاملو که تحصیلات متوسطه را نتوانست تمام کند، به مدرسه اجتماع گام می‌نهد، برای کار هر دوی را می‌زند، اما کار اصلی او خواندن و نوشتن بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ و هجوم متفقین به ایران، شاملو که از ناسیونالیست‌های دوآتشه بود و به آلمان نازی گرایش داشت، به مبارزه دست زد و در نتیجه به زندان متفقین افتاد و دو سالی در بند ماند. پس از آزادی از زندان، او به جبهه شعر پیشرو پیوست و این بار نیز مدتی نزدیک به یک سال را در زندان سرکرد. از سال ۳۲ به بعد، شاملو کارش را به طور پیگیر دنبال کرد و برای گذران زندگانی، از کار روزنامه‌نگاری مدد گرفت. در این سال‌ها، سردبیر روزنامه پولاد و مجله‌های بامشاد، اطلاعات ماهانه، کیهان هفته و خوشه را به‌تتابع عهده‌دار بود. شاملو سه بار ازدواج کرده و آخرین همسر او «آیدا» ست. آثار شاملو شامل: اشعار، ترجمه‌ها، متن‌های کهن پارسی و مقالات بسیار در زمینه نقد شعر، مسایل روز و بررسی مشکلات هنری و فلسفی است که دست‌غیب در این کتاب، آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

* نقد آثار غلامحسین ساعدی

نوشته عبدالعلی دست‌غیب. چاپ اول، تهران، انتشارات چاپار، ۱۰۷ ص، رقعی.

دست‌غیب در مقدمه این اثر، پس از شرحی درباره نثر داستان‌های ترقی‌فارسی، به ویژه در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ و نفوذ هدایت در شرایط نفوذ آثار نویسندگانی چون دشتی و مستعان، به نویسندگان تأثیرگذار و هنرمندی چون جلال آل احمد، اشاره می‌کند و سپس با مقایسه درون‌مانه نثر آثار نویسندگانی چون آل احمد و هدایت، با برخی از آثار تجریدی بهرام صادقی و ابراهیم گلستان می‌پردازد و به برخی از آثار رئالیستی و واقع‌گرایانه ساعدی اشاره می‌کند و آنها را می‌ستاید و می‌نویسد: «غلامحسین ساعدی پزشک است و از فرزندان آذربایجان، نخستین داستان‌های او به نام «گوهر مراد» به چاپ رسید. ساعدی نویسنده پرکاری است و تاکنون حدود ۳۰ جلد کتاب، داستانی، پژوهشی و نمایشنامه نوشته است. در داستان‌های ساعدی، گرایش به واقعیت‌جویی نمایانی دارد، ولی گاه جنبه (پاتولوژیک)، درد‌شناسانه و روانکاوانه آثار او



بر واقعیت‌های زیستی و اجتماعی می‌چربد. دست‌غیب، ساعدی را نویسنده‌ای صاحب‌سبک نمی‌شناسد و در این باره می‌نویسد: «آنچه در هدایت و آل احمد به عنوان سبک مشخص می‌شناسیم، در برخی آثار ساعدی غایب است. ساعدی می‌کوشد به سبک ویژه‌ای دست پیدا کند، ولی هنوز نتوانسته است خود را کاملاً از اوصاف کلیشه‌ای، جمله‌های معمولی و درازنویسی... رهایی بخشد.

* نقد آثار صادق چوبک

نوشته عبدالعلی دست‌غیب، چاپ اول، تهران، کانون تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند، ۱۳۵۳.

در معرفی این اثر، بیش از هر چیز باید اندکی از دیدگاه کلی دست‌غیب را درباره چوبک در سال انتشار کتاب به دست دهیم:

«صادق چوبک؛ نویسنده معاصر ایران در بوشهرزاده شد و کارش را درست در هنگامه جنگ جهانی دوم - که شعله‌های آتش جنگ به ایران هم رسید - آغاز کرد. داستان‌های چوبک، نخست در مجله سخن به چاپ رسید. می‌دانیم که این مجله و نویسندگان در آغاز کار، زیر نفوذ معنوی هدایت بودند. چوبک در دوره نخست نویسندگی خود، چند داستان کوتاه و نمایشنامه نوشت و پس از چند سال سکوت، کار خود را با داستان بلند تنگسیر (۱۳۴۲) آغاز کرد. وی کارمند شرکت نفت است، به آمریکا و انگلستان و شوروی سفر کرده، ولی از سفرها، ره‌آوردی و سفرنامه‌ای ارمغان خوانندگان اثرش، نکرده است. چوبک، مردم‌گریز و خلوت‌گزین است.» و در جایی دیگر: «چوبک در نوشته‌های خود تجربه‌های زندگانی پرفراز و نشیبی را به دست نمی‌دهد. بی‌تردید چوبک دیدگاه ویژه‌ای دارد، ولی این دیدگاه، گستردگی چندانی ندارد. در داستان‌های نخستین او، مایه‌هایی از زندگانی امروز دیده می‌شود ولی در داستان‌های بعدی، این مایه‌ها کم و کمتر می‌گردد، تا به جایی می‌رسد که نویسنده برای بیان اندیشه‌های خود به گذشته پناه می‌برد. رویدادهای «تنگسیر» و «سنگ صبور»، در پنجاه سال پیش می‌گذرد. درست است که تصویر این رویدادها نیز ارزشمند است ولی چوبک همچون جلال‌آل احمد که در «میان‌معرکه» یک‌ه‌تازی می‌کرد و می‌جوشید و می‌خروشید، نیست. می‌توان پرسید که چرا در آثار تازه چوبک - از تصویر روبرو - از تصویر زندگانی امروز خبری نیست؟ چرا وی بیهوده دفتر انبام را ورق می‌زند و در خاکستر فسرده گذشته، دنبال جرقه‌ای می‌گردد؟ آیا دلیل روبرگرداندن چوبک از تصویر زندگانی امروز، مردم‌گریزی و خلوت‌گزینی اوست؟ یا فرار از تعهد اجتماعی؟ یا

اجتماعی، ولی اکنون بهتر است پیش از داوری درباره ناتورالیسم چوبک، بینیم ناتورالیسم چیست؟... دست‌غیب سپس به تفصیل درباره ناتورالیسم بحث می‌کند و در ادامه، آثار چوبک را از دیدگاه رئالیسم اجتماعی که خود بدان باور دارد، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد، آثاری چون: **تنگسیر، سنگ صبور، چراغ آخر و...**

نوشته عبدالعلی دست‌غیب. چاپ اول، تهران، نشر پیام امروز، ۱۳۷۷، ۲۸۸ ص، رقیعی.

استاد دست‌غیب در این اثر، پس از مقدمه‌ای بلند در بررسی پست و بلند ادب غرب، آثار ده نویسنده تأثیرگذار غرب: «داستایفسکی، ملویل، اونیل، جان دوس پاسوس، فاکتر، جویس، همینگوی، اشتاین بکن، وولف و پروست، را نقد و بررسی کرده است. بهتر است نمونه‌وار برخی از داوری‌های دست‌غیب درباره بعضی از این مشاهیر را در جمله‌هایی بیاوریم:

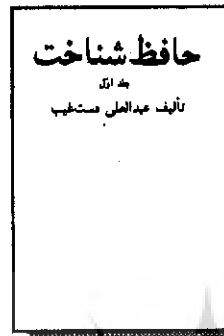
فیودور داستایفسکی، داستان‌سرای بزرگ روس، در هنر تحلیل روان‌انسان و به روی صحنه آوردن خلق و خوی آدمیان، چیره‌دستی بسیار نشان داده است. در آثار او، حالات رنج و تحمل انسان‌های تحقیر و توهین شده به خوبی مجسم شده است. بی‌آن که راه چاره سیاسی اجتماعی برای درمان آن رنج‌ها، به دست داده شود.

جان دوس پاسوس: نویسنده بزرگ آمریکا، از پیشگامان رمان‌نویس معاصر که نزد ما ناشناخته مانده است که یکی از علل آن، شاید پیچیدگی زبان و بیان و نوسان سیاسی مشخص او بوده است. ارنست همینگوی: وضعیت‌ها و شخصیت‌های جهان همینگوی، معمولاً شدید و قهرآمیز است.

جان اشتاین بک: او می‌گفت: من هرگز دو کتاب همانند نوشته‌ام. این تفاوت و ناهم‌اندی هم کلید توفیق او در جهان نویسندگی بوده و هم مفتاح شکست او در حصول عظمت در نزد معاصرانش.

جیمز جویس: جویس مانند بیشتر نویسندگان دوره بحران میانه دو جنگ جهانی، می‌اندیشید که ارکان جامعه متزلزل شده و نوع انسان در حال سقوط است و سقوط انسان نتیجه قهری فساد روحی و اخلاقی اوست، نه نتیجه ناموزون بودن نهادها و طبقه‌های اجتماعی.

مارسل پروست: تنها، منزوی و بیمار بود. اشتیاق درد‌آمیزی، به خاطرات دوران کودکی داشت. پروست، نخستین رمان‌نویس با اهمیتی است که اصول سمبولیسم را در داستان‌نویسی به کار برده است.



خالی شدن چننه تجربه و مایه‌های نویسندگی؟... با این همه، کار چوبک ارزش دارد. او نویسنده‌ای است که در آثار خود می‌کوشد زندگانی مردم را ترسیم کند و گهگاه در این کوشش موفق است. طنزی گزنده دارد که آکنده از مایه‌های هنری است... سخن کوتاه، بینش اجتماعی چوبک ضعیف است، او همانند چخوف نیست، که ابتذال را در دورنمای کلی اجتماعی و چهارچوب زمانی معینی نشان می‌دهد. در داستان‌های چوبک، آدم‌های مفلوک و تحقیرشده، آدم‌های اسیر که می‌سوزند و می‌سازند و راه به جایی نمی‌برند نشان داده می‌شود، ولی تصویر این آدم‌ها، بس تجریدی است. چوبک، فساد و ابتذال را از دید ناتورالیستی می‌نگرد، نه از زاویه واقعیت

پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه ۲۲ صفحه ای استاد دست غیب در این اثر، بیشتر در نقد آراء کسانی است که چندین دهه است می کوشند تا به تعبیر او، تنها آثار کافکا، جویس و پروست را معرف تحولات روحی قرن حاضر وانمود سازند، در حالی که به باور دست غیب، چنین چیزی درست نیست و نمی توان اهمیت تاریخی رئالیست های بزرگی مانند چخوف، کنراد و «رولان» را انکار کرد.

کالبد شکافی رمان فارسی

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر (حوزه هنری)، ۱۳۸۳، ۵۱۲ ص، رقی.

استاد دست غیب در این اثر تفصیلی، پس از ذکر پیشینه تاریخی رمان فارسی از دیرباز تاکنون، شمار زیادی از داستان های ایرانی صدساله اخیر را کالبدشکافی کرده، به نقد و بررسی آنها پرداخته است. از مقدمه کوتاه محمدحیدری که در آغاز کتاب آمده است، چنین برمی آید که این اثر در اصل، سلسله مقالاتی بوده که در مجله گزارش به چاپ رسیده و اکنون به صورت کتاب عرضه شده است. محمد حیدری درباره این اثر می نویسد: نویسنده گرچه جنبه های اجتماعی رمان نویسی ایران را به نقد کشیده، اما از توجه به ارزش های ادبی آثار برجسته رمان نویسان ایرانی نیز غافل نمانده است. دست غیب معتقد است از لحاظی رمان ها و قصه های فارسی به دو گونه عمده بخش می شود. قصه هایی که شوربختی مردم عادی را نشان می دهد- و این قسمتی از فقرنگاری است- و قصه هایی که زندگانی طبقه مرفه را به نمایش درمی آورد. بین قصه های نوع اول نیز قصه هایی داریم که رئالیسم است و با ترسیم شرایط دشوار زندگانی محرومان، درس مبارزه می آموزد و می آموزد برای «رسیدن به فردوس باید دروازه های دوزخ را شکست»، قصه هایی که ناتورالیستی است، در حوزه وصف زشتی ها و پلشتی ها متوقف می شود.

حافظ شناخت

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، نشر علم، دوره دو جلدی، بی تا (احتمالاً ۱۳۷۸)، ۱۰۴۶ ص، وزیری.

انس با اشعار حافظ و حافظ پژوهشی، یکی از علاقه های عمیق و دیرین استاد عبدالعلی دست غیب بوده است، آنچنان که تأثیر شعر و کلام و اندیشه حافظ در بیشتر آثار پژوهشی استاد به روشنی قابل درک است. شاهد این سخن، مقالات پرشماری است که دست غیب، سال ها پیش در مجله فردوسی می نوشت و پس از آن دو کتاب «حافظ شناخت» و سپس کتاب «از حافظ به گوته» و اثر در دست انتشار «مستی شناسی حافظ»

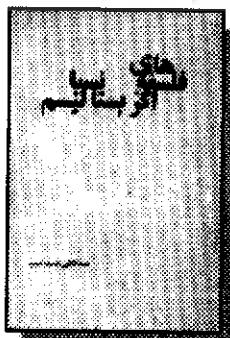
است که در عین حال، نقدی بر کار داریوش آشوری «مستی و رندی در شعر حافظ» نیز هست، کتاب حاضر، حاصل پژوهش های استاد دست غیب درباره حافظ و مربوط به تحقیقات وی در سی سال پیش است که در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسید. کتاب دو جلدی حافظ شناخت، شامل چهاربخش است. بخش نخست: بدرالشروح، بخش دوم: درباره حافظ چه می گویند، حافظ کیست، عارف یا صوفی؟، بخش سوم: اشعار تاریخ دار حافظ و بخش چهارم: گذری به دنیای حافظ.

هجوم اردوی مغول به ایران

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، نشر علم، ۱۳۶۷، ۵۲۴ ص، وزیری.

نویسنده در این اثر پژوهشی-تاریخی، سر به سر از بیدادی که از حمله هول انگیز مغولان به ایران و تمدن اسلامی شده است، سخن می گوید. او در دیباچه ۱۸ صفحه ای خود بر کتاب، ضمن مروری فشرده بر ویرانگری های مغولان، دلایل پرداختن به چنین موضوعی را پس از قرن ها، یادآوری کرده و در یک کلام، آگاهی بخشی و آموزدگی این گونه آثار را سبب انتشار کتاب دانسته است. بحث از مساله تحریف در کتاب های تاریخی، بخشی دیگر از مباحث دیباچه را تشکیل می دهد. هجوم اردوی مغول به ایران، گرچه عنوانی تکراری است، اما همچون دیگر آثار دست غیب، سرشار از نکات تازه، دریافت های جدید از این رویداد وحشتناک تاریخی است.

درباره تاریخ / اساطیر جنگ و صلح / چنگیزخان / محمد خوارزمشاه / ناصر خلیفه عباسی / صوفیان / فرهنگیان و تمدن ایران / پیش از یورش مغول / و «از زنوق تا عین جالوت»



بخش های دیگر این اثر محققانه است.

هنرمند، گذشته و آینده فرهنگی

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۲، ۱۳۲ ص، رقی.

بنیاد این اثر، آنچنان که نویسنده در پیشگفتار کتاب آورده است، در زمینه توضیح و رد کردن سخنانی است، که در رساله ای به نام «آینده ایران و گذشته فرهنگی»، منعکس شده است. دست غیب معتقد است که نویسنده کتاب [داریوش شایگان] به پیروی از هایدگر و یونگ (روانشناسی اعماق) و متافیزیک صوفیانه، هدف فرهنگ و هنر را گفت و گو با «خاطره ازلی» به شمار آورده و مدعی شده که «فرهنگ چنان به عنوان اشرافی متافیزیکی ما وابسته است که نمی توان بدون دگرگونی عمیق وجودی، ضوابط ارزشی تمدنی را به تمدن دیگری انتقال داد.»، دست غیب هدف آن رساله را، طرفداری از فرهنگی ایستا و مخالفت با دگرگونی می داند. به هر حال، داوری درباره درستی دیدگاه شایگان یا دست غیب، از عهده این مختصر بیرون است، گرچه تنها می توان گفت که نویسنده کتاب نقد، نیز در آن سال ها، از تأثیر فرهنگ حسی برکنار نبوده است.

نگریش های متضاد در ادبیات معاصر ایران نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، نشر خنیا، ۱۳۷۱، ۳۰۶ ص، رقی.

استاد عبدالعلی دست غیب در این اثر، چنانکه از عنوان آن نیز پیداست، به طرح دوگانه گرایش های متضاد در ادبیات فارسی پرداخته است. برای این کار نویسنده، نخست به معرفی چهره های شاخص پدید آورنده آثار ادبی- اجتماعی در سده اخیر در مقوله هایی چون: داستان نویسی، نمایشنامه نویسی، فلسفه، مقاله نویسی، ترجمه، پژوهش و نقد ادبی و «شعر» پرداخته، با ارایه نمونه هایی از آن آثار، مشکل اندیشدگی و جهان نگری های متضاد و متفاوت گروهی از شاعران، نویسندگان و پژوهندگان ایرانی و خطوط کلی ادبیات معاصر را نشان داده است. دست غیب معتقد است: در پهنه ادبیات معاصر ایران، کوشش می شود که «دستی ها» و «حجازی ها» را نیز دارای اهمیتی بدانند، یا به یاری نوشته های ابراهیم گلستان و یدالله رژیایی و بهمن فرسی، ادبیات ما را به بیراهه پوچ گرایی و «خودپرستی بکشانند، ولی این کوشش ها بی حاصل است. ملت ما ملتی فرهنگی و دارای بینش ژرف تاریخی- اجتماعی است، این ملت را نمی توان فریب داد.

از حافظ به گوته

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، انتشارات بدیع، ۱۳۷۳

فهرست این اثر، پس از پیشگفتار با این عناوین آغاز می شود:

حافظ، گوته و «حافظ عارف و رند همه اعصار»، استاد دست غیب در مقدمه این کتاب، ضرورت انتشار این اثر را پس از چاپ کتاب «حافظ شناخت» خود در سال ۶۸، به روشنی بیان کرده است: «آنچه در آن کتاب آمده، غالباً و به شدت جنبه فنی و تحقیق کلامی دارد و اقیانوس پرتلاطم شعر خواجه شیراز را نشان نمی دهد. این بود، که دگر بار به سراغ این شاعر شگفت انگیز رفته و ایامی در باغ سحرانگیز دیگر سروده هایش به گلگشت پرداختم، سپس همانندی کار او با آثار گوته، مرا به جهان شاعر بزرگ آلمانی برد، و با دقت بیشتر این دو مرد را سالک راهی یگانه دیدم. سیری عرفانی در طلب درک «راز جهان»، دست غیب در جایی دیگر از کتاب می گوید: در حافظ و گوته، کشش و کوشش مدام به سوی رهایی، آزادی و عاشق شدن با دل و جان و دوری از تعصب و آزار دیگران و احترام به انسان و شایستگی های درونی او، مایه های اصلی است. و به همین دلیل، وقتی که شاعر آلمانی به «چشمه نوش» ادب فارسی و شعر حافظ می رسد، همه ملاحظات قومی و غرور ملی را کنار می گذارد و در برابر شاعران ایران سر تعظیم فرود می آورد و حافظ را «استاد» می نامد.

دست غیب می گوید: نوشتن این کتاب برای من انگیزه دیگری نیز داشت. در این دهه های اخیر، بسیار دیده شده است که غربزدگان، خورشید جهان افروز شعر فارسی را وا گذاشته و به سراغ چراغ موشی اشعار مدرن غرب رفته اند و حتی کار به جایی رسیده است که به فردوسی بزرگ تعریض می کنند و شعر او، این گرانبها در، دری را که بر تارک ادب جهان می درخشد، «نظم» و خود او را «ستاینده شاهان» می نامند.

جای آن است که خون موج زند در دل لعل

زین تغابن که خرف می شکند بازارش

پایان بخش کتاب از حافظ به گوته، مصاحبه غلامحسین نصیری پور با استاد عبدالعلی دست غیب است که با عنوان «حافظ رند و عارف همه اعصار» آمده است. این مصاحبه در ۲۲ آبان سال ۶۷ در مجله دنیای سخن به چاپ رسیده بود.

هنر و واقعیت

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران،

مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۹

کتاب با این پرسش آغاز می شود: هنر و زیبایی چیست و چه اهمیتی برای انسان دارد؟ نویسنده نگاه، به تعاریفی در نقد هنر، واقعیت، رئالیسم و اتورالیسم پرداخته و ضمن اشاره به نمونه هایی ز آثار شاعران و نویسندگان ایرانی و خارجی، به

اثرند. پایان بخش کتاب، (صفحات ۳۵۲ تا ۳۹۵) به گفت و گوی نصرت رحمانی (شاعر) با عبدالعلی دست غیب اختصاص یافته است. موضوع این گفت و گو، بحث درباره جریان شعر معاصر و وظیفه شاعر و هنرمند در جهان امروز است. گفتنی است که این گفت و گو پیشتر در چند شماره، در یکی از مجله های هفتگی چاپ شده بود.

در آینه نقد

نوشته عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، تهران، انتشارات حوزه هنری، ۳۸۶ ص، رقمی.

در آینه نقد، یا آنچه آن که در صفحات داخلی کتاب آمده. «در آینه نقد»، کتابی است پر و پیمان در زمینه نقد و شامل مباحثی چون: سخن و نقد سخن، رویکردهای نقد، تخیل، مجاز و تصویر و «انواع ادبی».

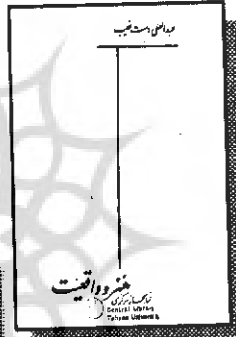
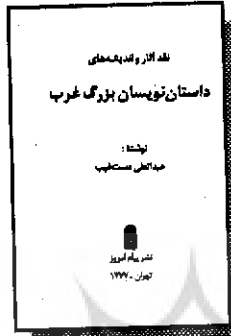
در بخش نخست اثر، دست غیب به تعریف واژه نقد، اصطلاح نقد و بحث نقد (زبان شناسی - مضمون سازی) و جز آن پرداخته است. در بخش دوم، نویسنده به تبیین رویکردهای گوناگون نقد از دیرباز تا کنون پرداخته، تعاریفی از نقد سنتی، نقد صورت گرایانه، نقد روانشناختی، نقد اسطوره ای، نقد جامعه شناختی و نقد تأویلی پیش چشم خواننده قرار داده است. در بخش تخیل و مجاز، دست غیب به جوهر شعر و نقد گرایش های مختلف در تعریف شعر می پردازد و جایگاه شعر و شاعر را در جامعه از دیدگاه های مختلف بررسی می کند و سپس به نظر عارفان درباره شعر می پردازد و در فرجام، شعر و چگونگی پدید آمدن آن و نیز اهمیت شعر را به بحث می نشیند. در بخش انواع ادبی، نویسنده پس از بحث در مسأله «نوع ادبی»، به بیان طبقه بندی، انواع ادبی فرای (کمدی، طنز و مطایبه - منظومه های عاشقانه، رمانس) حماسه و تراژدی پرداخته، به مقایسه ها و وام داری ها و مشابهت های این گونه آثار غربی با آثار ادبیات فارسی پرداخته است.

فلسفه های اگزیستانسیالیسم

نوشته عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، انتشارات بامداد، ۱۳۵۴، ۲۴۹ ص، رقمی.

کتاب بی فهرست فلسفه های اگزیستانسیالیسم در پیشگفتار، با این پرسش ها آغاز می شود که: «فلسفه اگزیستانسیالیسم چیست و چه می گوید؟ با چه مشکل های سروکار دارد؟ به سوی کدام هدف می رود؟ تأثیر آن در موقعیت اجتماعی انسان همزمان ما چیست؟

استاد دست غیب از آنجا که با فلسفه و ادب دیروز و امروز ایران اسلامی آشناست، در پیشگفتار کتاب، به تصحیح دیدگاه نورسیدگان بی تجربه و ناآگاه از سنت اندیشه و ادب ایران



نقد و تحلیل آن می نشیند؛ رئالیسم اجتماعی (مارکسیستی) را بر اساس باورهای خویش در آن سال ها می ستاید و با شیوه ای جدلی، به نفی آراء دیگران در این زمینه می پردازد و همه جا به خاطر گریز از سانسور، به جای واژه های «مارکسیستی»، «مارکسیسم» و «مارکسیست» از اصطلاحاتی چون: فلسفه مترقی، پژوهنده مترقی، زیباییگری مترقی و گرایش های مترقی بهره برده است. دست غیب در این اثر، با نگاهی جزئی نسبت به مسایل هنری - ادبی، «شهود و الهام هنری» را نه یک عنایت الهی، بلکه میوه زندگانی اجتماعی دانسته است.

بحث در زیبایی، بحث در هنر، چیستی شعر، آزادی هنرمند و ضرورت اجتماعی، سمبولیسم در شهر، کارکرد اجتماعی شعر، رئالیسم و ناتورالیسم، شعر و الهام، عناوین فهرست این

می پردازد و داوری کسانی را که طرح مسایل «وجود» و «هستی» را تنها در غرب جست و جو می کنند، یک سر باطل می شمارد و می نویسد: «نویسندگان تاریخ فلسفه، بنیادگذار اگزیستانسیالیسم را «کی یوکه گور» می دانند و پس از او، دو فیلسوف دیگر، یعنی هایدگر و یاسپرس نام می برند. جز اینها، سارتر، گاریل مارس، بردیاوف، کارل بارت، امامونو، کامو... نیز به فیلسوفان اگزیستانسیالیست نامیر دارند. ژان وال «هستی» را در نوشته های «شلینگ» نیز دنبال کرده و می نویسد که او نخستین کسی است که کلمه هستی را به معنای امروزیش به کار برده است و باید حتی تا کانت بالا رفت، زیرا شلینگ جانشین کانت است. اگر همچنان ادامه بدهیم، می توانیم به پاسکال، به سنت آگوستن و به «ایوب» برسیم... می بینیم که برخلاف باورهمگان، ریشه های اگزیستانسیالیسم در ژرفای قرن های گذشته فرورفته و با سنت های فلسفی پیوند دارد، در عرفان ایران و فلسفه بوعلی سینا و ملاصدرا به طرز دیگری از «هستی» یا «وجود» سخن می رود و به ویژه در غزل های حافظ واژه و مفهوم «هستی» بارها تکرار شده است. دست غیب در این اثر، طی بخش های جداگانه، پس از بحث «از فنونولوژی تا اگزیستانسیالیسم»، به بیان آراء داستایفسکی، کی یوکه گور، نیچه، ریکله، کافکا، هایدگر، یاسپرس، سارتر و کامو می پردازد و در بخش پایانی کتاب، تحت عنوان انتقاد (صفحه ۲۶۳ به بعد)، خلاصه ای از ویژگی های نام آوران «فلسفه هستی» را به دست می دهد و سپس، انتقادات خود را مطرح می سازد.

*** فلسفه تاریخ هگل**

اثر: بن کیمپل، ترجمه عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، تهران، انتشارات بدیع، ۱۳۷۳، ۱۷۱ ص، رقمی.

بخشی از فعالیت فرهنگی - ادبی استاد دست غیب، ترجمه آثار برخی از متفکران و شاعرانی است که آوازه شهرتشان در جهان پیچیده است. آنچه در این کتاب می خوانیم، پس از مقدمه مترجم و پیشگفتار، شامل:

هگل و فلسفه او، اهمیت فلسفه در تاریخ، فلسفه تاریخ همچون سیستم متافیزیک و مفهوم های بنیادی فلسفه تاریخ هگل است.

دست غیب در مقدمه خود درباره هگل می نویسد: از بین فیلسوفان آلمان، هگل و نیچه در ایران بیشتر به بحث گذاشته شده اند. نیچه، به دلیل سخنان آتش انگیز و شاعرانه و هگل احتمالاً به دلیل اندیشه های سیاسی و اجتماعی اش، منظور نظرها گشته اند... نفوذ هگل در فلسفه غربی، بسیار عظیم بوده است. اندیشه های او هم

بر تفکر متافیزیک سامانمند و هم بر نظریه های سیاسی، هنری و اجتماعی و خداشناسی پروتستان، فلسفه دین و تاریخنگاری و به ویژه بر تفسیر عقلانی قرن های نوزدهم و بیستم اثر گذاشته است. اما کسانی که زیر نفوذ تفکر او قرار گرفته اند بر حسب بینش ها و تجربه های خود، به راههای متفاوتی رفته اند.

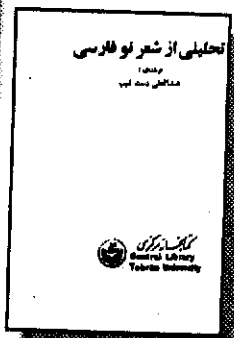
*** فلسفه نیچه**

نوشته: استنلی مک دانیل، ترجمه عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، آبادان، نشر پرش، ۱۳۷۹، ۲۶۰ ص، رقمی.

کتاب، چنانکه از عنوان فرعی آن برمی آید، تفسیری بر «چنین گفت زرتشت، زایش تراژدی، فراسوی خیر و شر و به سوی ژن شناسی اخلاق» است.

چهار کتابی که در این اثر به بحث گذاشته شده اند، به تعبیر مترجم به تقریب همه دوران زندگانی آفریننده نیچه را نشان می دهد. زایش تراژدی هر چند در بنیاد بحثی درباره نمایش تراژیک یونانی و ماهیت هنر است، برخی از درونمایه های عمده آثار بعدی نیچه را تأمین می کند. سه کتاب دیگر، همستگی نزدیکی به هم دارند. «فراسوی خیر و شر» تکمیل کننده برخی نکات مبهم «چنین گفت زرتشت» است و «ژن شناسی اخلاق» مطالعه تفصیلی مباحثی است که به صورت کوتاهتری در کتاب «فراسوی خیر و شر» آمده بود. استاد دست غیب در سخن پایانی خود می نویسد: نیچه به یکسان دارای نبوغ ادبی و فلسفی بود و از این رو در «راهنمای مطالعه ای از این دست، ناممکن نیست که به طور کامل ژرفای حالت و نظم بیانی را که بایست در خود

رتال جامع علوم انسانی



متن یافت، ارایه داد. به هر حال این امید باقی است که خواننده به جهت این که ایده های نیچه را در حالت اصیل آنها «احساس» کند، متن های موجود او را نیز بخواند. مترجم در پایان اثر، فهرستی از آثار نیچه و تحلیل هایی از آنها را به دست داده است.

*** دجال**

اثر: فردریش ویلهلم نیچه، ترجمه عبدالعلی دست غیب، چاپ اول، آبادان، نشر پرش، ۱۳۷۶، ۱۴۷ ص، رقمی.

استاد دست غیب از علاقه مندان صمیمی نیچه است و این امر نسبت شده، که وی در آثار پژوهشی خویش، به آراء و اقوال این متفکر و شاعر آلمانی اشاره کند. مترجم در پیشگفتار ۲۱ صفحه ای خود درباره نیچه، زندگانی و آثار او، از قول آندره مالرو؛ نویسنده فرانسوی می نویسد: «اندیشه های بنیادی قرن بیستم یا از آن مارکس است یا از آن نیچه، از زمان درگذشت این فیلسوف تا امروز، هیچ نویسنده و متفکری از تأثیر آنها، آزاد نبوده است.» مالرو در همان حال که به دامنه نفوذ بیشتر و شگفت انگیز «مارکس» اشاره می کند، خلافت هنر و اندیشندگی نیچه را بیشتر می داند. فردریش نیچه؛ فیلسوف و شاعر آلمانی (۱۹۰۰-۱۸۴۴) از اندیشمندانی است که زمانش، او را در نیافت و پس از مرگش بود، که دامنه نفوذ اندیشه اش بر هنرمندان و نویسندگان وسعت گرفت. تأثیر مستقیم او بر فیلسوفان اگزیستانسیالیسم مانند: هایدگر، یاسپرس، سارتر، کامو و نویسندگانی چون: آندره ژید و مالرو، به خوبی روشن است.

نیچه از نخستین کسانی بود که رشته ارتباط دین و فلسفه را از هم گسست. «دجال» یکی از آخرین کتاب های نیچه است که آثار شوریدگی و دیوانگی نبوغ در آن آشکار است. تصویری که نیچه در این اثر از مسیح به دست می دهد، کاملاً با تصویری که انجیل ها از این پیامبر ارایه می دهند، تفاوت دارد. نیچه می گوید: عیسی مسیح به سبب جرم خویش - طغیان بر ضد یهودیت حاکم - بالای صلیب رفته است، نه برای بخشش گناهان ما...

*** طوفان**

اثر: ویلیام شکسپیر، ترجمه اسماعیل دولتشاهی - عبدالعلی دست غیب. چاپ اول، تهران، انتشارات بدیع، ۱۳۷۴، ۲۴۸ ص، رقمی. مترجمان کتاب در پیشگفتار اثر، آگاهی های متنوعی از ترجمه چندباره این اثر، نوع و نیز دشواری های ترجمه آثار شکسپیر و همچنین مختصری از زندگینامه او را به خواننده فارسی زبان ارایه داده اند، که در جای خود مفید و رهگشاست «طوفان»، از لحاظ نوع «ژانر» ادبی به اعتقاد بیشتر پژوهشگران، «قصه پریان» است. البته نه از قس

حکایات عامیانه یا لال بازی، هرچند در این اثر نیز دو عموی شرور نیز وجود دارد و جادوگری که با افسون خود شاهزاده‌ای را به بند می‌کشد و پری زادی، و غول شروری، شاید بهتر باشد که این اثر را از قسم رومانس بدانیم که برای سرگرمی اوقات فراغت خوانندگان و تماشاگران درباری و اشراف فتودال ابداع شده. این را نیز باید گفت که شکسپیر در طوفان، (نوشته شده پس از ۱۶۰۸، نمایش ۱۶۱۱)، در قیاس با درام‌هایی چون: هملت، مکبث، شاه لیر و کوریولانوس، اندک اندک از اشخاص درام دوری می‌گزیند و اگرچه مهارت و استادی او همچنان است که بود، اما رفتار شخصیت‌های نمایشنامه به خوبی مشخص و مطرح نیست.

• کارل مارکس

اثر: دیوید مکه له لان. ترجمه عبدالعلی دست‌غیب. چاپ اول، آبادان، نشر پرسش، ۱۳۷۹
دیوید مکه له لان نویسنده کتاب در ۱۹۴۰ در هرتفورد زاده شد و در مدرسه «مرچنت تایلور» و «کالج سنت جان» و «دانشگاه آکسفورد» تحصیل کرد. او استاد مهمان در دانشگاه دولتی نیویورک و عضو افتخاری در مؤسسه هندی مطالعات پیشناز «سمیلا»ی هندوستان بوده است. مکه له لان، پیوسته مدرس نظریه سیاسی در دانشگاه «کنت» بوده و به طور گسترده‌ای در آمریکای شمالی درباره قاره اروپا سخنرانی کرده و کتاب‌های او، که به بسیاری از زبان‌ها ترجمه شده عبارتند از: هگلی‌های جوان و مارکس (۱۹۶۹)، مارکس پیش از مارکسیسم (۱۹۷۰)، کارل مارکس، نوشته‌های اولیه (۱۹۷۱)، گروندریسه مارکس (۱۹۷۱)، اندیشه کارل مارکس (۱۹۷۱) و بالاخره «کارل مارکس زندگی و اندیشه‌اش» (۱۹۷۳).

در یادداشت مترجم می‌خوانیم: چون این کتاب، اندیشه‌های مارکس را به تمامی منعکس نمی‌کند، مترجم دو نوشته به کتاب افزوده است که اولین آن، از آن فریدریش انگلس، دوست مارکس و به ترجمه دکتر رضا فیروزمند و دومین نوشته، از مارکسیست لهستانی ایزاک دویچر به نام «کشف داس کاپیتال» به ترجمه پویا و به نقل از مجله جهان نو شماره (۷-۵) سال ۱۳۴۶ است که به کتاب افزوده شده است.

فهرست عناوین اثر، پس از یادداشت مترجم و مقدمه انگلس و پیشگفتار چنین است: تاریخ/ اقتصاد / سیاست / دوران شهرت / چگونه مارکس را بخوانیم و «کشف سرمایه»

• گل‌های تاریک

نوشته عبدالعلی دست‌غیب، چاپ اول، تهران، انتشارات فرزین، ۱۳۴۶، ۱۳۰، ص، رقی. عنوان این دفتر که خودگویی فضا و حال و هوای

قالب‌های آزاد آمده است. این مجموعه، آنچنان که در کتاب آمده است، اشعار سال‌های ۴۰ تا ۴۶ شاعر است؛ شعرهایی که بیشتر حال و هوای دوران شکست، سرخوردگی، یأس و عصیان سالهای پس از کودتای ۱۳۳۲ را به ذهن متبادر می‌کند و پر از مضامین غمبار، یأس و دل‌مردگی است.

احساس / گل‌های تاریک / پرده‌ها خسته‌اند / بی‌حاصلی / رباط ویران و سرانجام «تمام آینه‌ها از غم زمان پر بود»، عنوان برخی از قطعات اشعار این دفترند.

• آثار نایافته استاد دست‌غیب

شبه نگارش، تهران، نشر سپهر، ۱۳۴۶
گزیده شعر شاعران انگلیسی زبان، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب، با همکاری محمود معلم، تهران، نشر روز، ۱۳۴۷.

پیام آوران عصر ماکی پرکه‌گور، نیچه، داستایفسکی، کافکا، تهران، نشر سپهر، ۱۳۴۸
چرا مسیحی نیستم، اثر برتراند راسل، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب، تهران، انتشارات فرهنگ، ۱۳۵۱

تصویرهای روبرو (دفتر شعر)، تهران، انتشارات فرهنگ، ۱۳۵۲

مرثیه‌های شمال، آن‌آخمتوا، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۴
شامگاه بت‌ها، اثر نیچه، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب، تهران، نشر سپهر، ۱۳۵۷

چهار سوار سرنوشت، ویلیام هابن، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب، آبادان، نشر پرسش، ۱۳۷۶
به سوی داستان نویسی بومی، عبدالعلی دست‌غیب، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۶
هیدگر و شاعران، فوتی و رونیک ماریون، آبادان، نشر پرسش، ۱۳۷۶

شوپنهاور، تامس تافه، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب، آبادان، نشر پرسش، ۱۳۷۹

• آثار در دست چاپ

نقد آثار دهخدا

در سگفتارهای فلسفی

بنیادها و رویکردهای نقد ادبی

پیدایش رمان فارسی

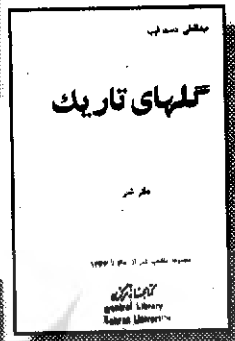
مستی‌شناسی حافظ

صدف و دریا (گفتمانی درباره شناخت فلسفی) فلسفه کانت

فرهنگ و تعهد - اثر مارگارت مید. ترجمه عبدالعلی دست‌غیب.

آن‌طور که بخواهی - اثر شکسپیر - ترجمه با همکاری اسماعیل دولت‌شاهی.

فلسفه و حقیقت. اثر نیچه، ترجمه عبدالعلی دست‌غیب.



حاکم بر اشعار شاعر است، برگرفته از دومین شعر بلند این مجموعه است:

در کنار جویباران بید سبز

سرکشید از روزن‌یادی غمین

ماهتابی سردتر از برف صبح

ریخت بر گل‌های تاریک خیال

من کشیدم بال در رؤیا و اشک

سویم آمد آسمان‌های ملال

در این دفتر ۴۶ قطعه شعر، بیشتر در